



عوامل مؤثر بر نفوذ اندیشه های وهابیت در استان کرمان

محمد سهرابی^۱، *وحید عضدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۸

چکیده

وهابیت جنبشی مذهبی است که توسط محمد بن عبدالوهاب در قرن هجدهم در نجد عربستان بنیان گذاشت و از سال ۱۷۴۴ مورد پذیرش خاندان سعودی قرار گرفت. وی معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و بایستی از این مذهب حذف شود. این تفکر به نام اهل تسنن به دشمنی و مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام می پردازد. البته دشمنی وهابیت منحصر به شیعیان نیست. هدف این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر نفوذ اندیشه های وهابیت در استان کرمان است.

روش به کاررفته در این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که سعی شده با تحلیل محتوای مربوط به اندیشه های وهابیت پرداخته است و جدای از این به مصاحبه با شش نفر از کارشناسان این حوزه در استان کرمان پرداخته شده است.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد اندیشه های وهابیت که برگرفته از اندیشه های عربستان است، توانسته به صورت نرم در بین اهل تسنن مناطق مختلف ایران به خصوص جنوب شرق ایران نفوذ کند، ولی یافته های تحقیق بیانگر این موضوع است که در استان کرمان در حال حاضر پیرامون وهابیت خطری وجود ندارد ولی با توجه به برنامه ریزی متصور وهابیون در آینده و به دلیل هم مرزی با استان سیستان بلوچستان، و سرریز اهل تسنن این استان به استان کرمان و حضور اتباع خارجی (افاغنه) که بیشتر اهل تسنن بوده و خطر گرایش به سمت گروه های افراطی و تکفیری وجود دارند، در معرض خطر جدی قرار دارد.

کلید واژه ها: وهابیت، سلفی گری، اندیشه سیاسی، استان کرمان.

۱- دانشیار علوم سیاسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران.
۲- دانشجوی دکتری اندیشه های سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران. (نویسنده مسئول) - vahidazodi@yahoo.com
۰۹۱۳۱۷۹۴۳۱۸



تا قبل از تأسیس حکومت شیعه مذهب صفوی، ایران نیز در حوزه عمومی اهل سنت به شمار می‌رفت و محدود گروه‌های شیعی در نقاط مختلف به صورت مجموعه‌هایی پراکنده و در حالت تقیه به سر می‌بردند. با اعلام رسمی مذهب تشیع از سوی صفویه، اکثریت جامعه ایران به مذهب تشیع گردید ولی حاشیه‌های ایران، با وجود سخت‌گیری‌های مذهبی حکومت صفوی، کماکان به مذاهب سنت پایبند ماندند. با محدود شدن گسترده سرزمین ایران در زمان قاجار، تقریباً سرتاسر حاشیه‌های مرزی این کشور، هم‌مذهب مجاوران آن سوی مرز خود شدند و تنها شمال غرب و جنوب غرب ایران در محدوده مذهب رسمی کشور باقی ماندند (بشیریه، ۱۳۷۶: ۹۹-۱۰۷).

پراکنش جغرافیایی اهل سنت مشخص‌تر است. قسمت اعظم اهل سنت را بلوچ‌ها در جنوب شرق کشور ترکمن‌ها در شمال شرق و قسمت اعظم کردها در غرب تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن‌ها مناطقی از بندرعباس و استان فارس، کرمان قسمت‌هایی از استان خراسان رضوی و جنوبی (بیرجند، بندرگناوه، تربت حیدریه، تربت جام، کردکوی و...) و نیز قسمت‌هایی از شمال غرب هم‌چون تالش در برگیرنده جمعیت قابل توجهی از اهل سنت هستند (قومی، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

با توجه به اینکه جمعیت قابل توجهی از جمعیت ایران را اهل تسنن تشکیل می‌دهند ولی این بدان معنا نیست که هر اهل تسنن، وهابی است؛ بدین منظور اهل سنت گروهی‌اند که امروزه اگر چه در جهان اسلام اکثریت را تشکیل می‌دهند اما در ایران اقلیتی مذهبی، نه دینی، محسوب می‌شوند، بدان معنا که این گروه بر خلاف کلیمیان، مسیحیان و زرتشتیان اختلافات ریشه‌ای و بنیادین با اکثریت شیعه ندارند بلکه با وجود اشتراکات فراوان تنها در پاره‌ای مسائل اعتقادی و فروع فقهی دارای سلیقه و رفتاری متفاوت از شیعه‌اند. این اختلافات آن‌قدر جزئی و قابل اغماض است که حتی تبعیت از فقه و احکام شیعه را نیز در کنار چهار فقه معروف حنفی، شافعی، حنبلی و مالکی برای پیروان اهل سنت مجاز دانسته شده است. اگر چه اهل سنت ایران، صدها سال است در کنار اهل تشیع تعامل احترام‌آمیزی دارند.

وهابیت یک مرام عقیدتی است و هیچ ارتباطی به مذاهب شافعی، مالکی، حنبلی، و حنفی ندارد. این‌ها مذهبی فقهی هستند درحالی‌که وهابیت، یک مرام تکفیری عقیدتی است. اغلب اهل سنت ایران شافعی و اشعری بوده و شدیداً از فعالیت وهابی نگران‌اند. حتی اهالی برخی از مناطق اهل سنت از نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که با



وهابی‌ها برخورد کند، بر همین مبنا عده‌ای از علمای اهل سنت نیز نگرانی خود را از تحریکات این گروه اعلام کرده‌اند و گفته‌اند که عقاید خود را از جانب آموزه‌های افراطی آن‌ها در خطر می‌بینند. اما طی چند سال اخیر تحریکاتی در برخی مناطق سنی نشین برای ایجاد تقابل با شیعه از طریق آموزه‌های وهابیت آغاز شده که اخیر این تحریکات رشد فزاینده‌ای گرفته است. نکته جالب اینکه همزمان با این حرکت‌های افراط‌گرایانه به نام اهل سنت، هر از چند گاهی، جزوات و کتب حاوی اهانت به باورهای اهل سنت از جانب برخی گروه‌های خاص که اتفاقاً با نظام شیعی ایران در تقابل هستند توزیع می‌شود که این دو حرکت به صورت مکمل یکدیگر در ایجاد تقابل سنی و شیعه عمل می‌کنند. در کشور ایران دو فرقه‌ی اهل سنت و شیعه تا کنون با تعامل در کنار هم زندگی می‌کردند، اما اخیر تقابل‌هایی میان این دو فرقه صورت گرفته است که به گفته‌ی علمای این دو فرقه وهابیت بر این تقابل تأثیرگذار بوده است (<http://shiyani.ir>).

یکی از مراکزی که اهل تسنن فعالیت گسترده در آن دارند، استان سیستان بلوچستان است و این استان به نوعی توانسته مرکزیت اهل تسنن را با محوریت مسجد مکی زاهدان تثبیت کند. فعالیت‌های گسترده اهل تسنن برای افزایش عقاید خود بر اساس چند محور حضور در مناطقی سنی نشین و مناطقی که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی هستند شیوع پیدا کرده است و در این راستا از ابزار افزایش جمعیت، ازدواج با دختران شیعی، خرید زمین‌های شیعیان و ... استفاده می‌کنند و اصرار در افزایش فرزند و در نتیجه به هم‌زدن بافت جمعیتی را دارند و شنیده شده زمین‌ها و مغازه‌های اهل تشیع را خریداری می‌کنند تا آن‌ها مجبور به مهاجرت شوند. بر همین اساس استان کرمان به علت همجواری با این استان می‌تواند بهترین مکان برای اجرای سیاست‌های آن‌ها باشد و این استان (جنوب و شرق آن) نیز استعدادهای لازم را برای افزایش عقاید اهل تسنن را دارد و به نوعی فعالیت‌های اهل تسنن استان سیستان بلوچستان به استان کرمان سرازیر شده و توانسته در جنوب و شرق استان کرمان جایگاه خوبی را به خود اختصاص دهد؛ لذا هدف این تحقیق بررسی تأثیر نفوذ اندیشه‌های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان بوده که سعی شده با استفاده از یک تحقیق کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی است، همچنین روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق بر اساس تحلیل محتوای متون اسناد، کتاب، مقالات، سایت‌های اینترنتی و مطالب موجود در این زمینه بوده است.



بیان مسئله

وهابیت جنبشی مذهبی است که محمد بن عبدالوهاب در قرن هجدهم در نجد عربستان بنیان گذاشت و از سال ۱۷۴۴ مورد پذیرش خاندان سعودی قرار گرفت. وی معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و بایستی از این مذهب حذف شود. این دیدگاه به یک پالایش اساسی در مذهب سنی اعتقاد داشت و زیارت قبور، تقدیس اولیاء و زندگی مجلل را از بزرگترین گناهان می‌دانست (دکمجیان، ۱۳۸۸؛ ۴۷).

از آنجا که وهابیت دست پرورده استعمار است مبانی آن با تفکرات اصیل اسلامی تفاوت اساسی دارد، این تفکر به نام اهل تسنن به دشمنی و مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. البته دشمنی وهابیت منحصر به شیعیان نیست. تاریخ خود گواهی گویاست که وهابیت علاوه بر مقابله با شیعه‌ها ده‌ها جنگ بر علیه اهل تسنن نیز به راه انداخته است (زینی دحلان، ۱۳۰۵: ۲۵). همین امر به خوبی نشان می‌دهد که وهابیت به شیعه یا سنی بودن کاری ندارد بلکه با شگردهای گوناگون اهل تسنن را با خود همراه می‌کند و یا سوء استفاده از آنان از ظرفیت موجود به نفع خود بهره می‌برد. کشور ایران نیز به علت داشتن جمعیت نزدیک به ۲۰ درصدی اهل تسنن یکی از مراکزی است که مورد هجوم وهابیت قرار گرفته است. اما طی چند سال اخیر تحریکاتی در برخی مناطق سنی نشین برای ایجاد تقابل با شیعه از طریق آموزه‌های وهابیت آغاز شده که اخیراً تحریکات رشد فزاینده‌ای به خود گرفته است. نکته جالب اینکه همزمان با این حرکت‌های افراطی گرایانه به نام اهل سنت، هر از چند گاهی، جزوات و کتب حاوی اهانت به باورهای اهل سنت از جانب برخی گروه‌های خاص که اتفاقاً با نظام شیعی ایران در تقابل هستند توزیع می‌شوند که این دو حرکت به صورت مکمل یکدیگر در ایجاد تقابل سنی و شیعه عمل می‌کنند.

وهابیت یک مرام عقیدتی است و هیچ ارتباطی به مذاهب شافعی، مالکی، حنبلی، و حنفی ندارد. اینها مذاهبی فقهی هستند در حالی که وهابیت، یک مرام تکفیری عقیدتی است. اغلب اهل سنت ایران شافعی و اشعری بوده و شدیداً از فعالیت وهابی نگرانند. حتی اهالی برخی از مناطق اهل سنت از نظام جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند که با وهابی‌ها برخورد کند، بر همین مبنا عده‌ای از علمای اهل سنت نیز نگرانی برخورد را از تحریکات این گروه اعلام کرده‌اند و گفته‌اند که عقاید خود را از جانب آموزه‌های افراطی آن‌ها در خطر می‌بینند. جنوب و شرق استان کرمان نیز از این امر مستثنی نیست



و شهرستان‌های رودبار، قلعه گنج، منوجان، ریگان، فهرج، بم و حتی خود کرمان به نوعی درگیر با این موضوع هستند. شاید در نگاه اول تحرکات این گروه مشخص و نمایان نباشد ولی با کمی دقت در افزایش تعداد مدارس، مساجد، حوزه علمیه و گرایش افراد به جذب در حوزه‌های علمیه اهل سنت می‌توان به این تحرکات پی برد. آن‌ها برای گسترش خود از ابزارهایی نظیر اقتصادی، فرهنگی و برنامه زمان‌بندی درازمدت در جهت رسیدن به اهداف خود هستند؛ لذا در این تحقیق به دنبال بررسی نفوذ اندیشه‌های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان و همچنین ارائه راهکارهای امنیتی مقابله با آن در این مناطق است؛ لذا در این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است.

سوالات تحقیق

- عوامل مؤثر بر نفوذ اندیشه‌های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان چیست؟
- راهکارهای امنیتی مقابله با نفوذ اندیشه‌های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان چیست؟
با توجه به اینکه این تحقیق از نوع تحقیقات کیفی بر پایه تحلیل محتوا است، فاقد فرضیه می‌باشد.

پیشینه و مفاهیم تحقیق

مفهوم وهابیت: آیین وهابیت بر اساس عملکرد، عقاید و باورهای شیخ محمد بن عبدالوهاب شکل گرفت. امروزه نیز این فرقه بر عقاید شیخ محمد و دیگر رهبران آن پافشاری می‌نمایند (سبحانی، ۱۳۸۹: ۲۴ - ۲۹). و در مجموع فرقه وهابیت ریشه در تفکر «سلفی» دارد که معتقد به بازگشت به شیوه علمای سلف و بازنگری در اساس دین و پیراستن آن از بدعت‌ها و مواردی است که بعدها به نام دین بر دین تحمیل شد و نشان دادن توحید واقعی و اصیل و ناب می‌باشد (مبلغی، ۱۳۷۳: ۱۴۲۹).

مفهوم سلفی‌گری: سلفی‌گری امروز، مفهومی بسیط و منسجم نیست و دارای گرایش‌های گوناگونی است که هر یک، گاه تا سرحد کفر گرایش دیگر را نفی می‌کند. به عبارت دیگر مفهوم سلفی‌گری امروز، مسامحتاً بر طیف گسترده‌ای از جریان‌های تندرو و افراطی اطلاق می‌شود که لزوماً همه آن‌ها از نظر مبانی کلامی، اعتقادی و سیاسی و خاستگاه اجتماعی یکسان نیستند. این تنوع در سلفی‌گری معاصر آن چنان است که حتی در یک جریان سلفی‌گری خاص نیز ریز جریان‌هایی دیده می‌شود که اختلافات



بنیادینی با یکدیگر دارند.

سلفی‌گری عصر حاضر از نظر عقیدتی نسبت به اعصار گذشته متنوع‌تر شده است. به عنوان نمونه شاخه اهل حدیث از مکتب سلفی‌گری «شاه ولی الله دهلوی» منشعب شد و سپس خود آن نیز پس از فعالیت‌های برخی شخصیت‌های وابسته به آن، موجب انشعاب داخلی گردیده است. همچنین سلفی‌گری وهابی در عصر حاضر به شاخه‌های مختلفی تقسیم شده است که هر یک ویژگی‌های خاص به خود را دارد و نمی‌توان آن‌ها را در یک مفهوم واحد دسته‌بندی کرد. در میان سلفی‌گری وهابی، از گروه‌های بسیار تندرو و سستی مانند «اخوانی‌ها» (دکمجیان، ۱۳۸۸: ۲۴۳-۲۵۵). که صرفاً به باورهای «محمد بن عبدالوهاب» اعتقاد دارند دیده می‌شود تا طیف تندرو، روشنفکر و جریان سکولار و لایبیک.

مفهوم اهل تسنن: اهل سنت اصطلاحی است در علم ملل و نحل که بر گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود. اصطلاح «اهل سنت» از دو واژه «اهل» و «سنت» ترکیب یافته است. «اهل» در لغت به معنای گروهی است که در امری از امور با هم شریک باشند مانند: «اهل بیت» که در پیوند خانوادگی، و «اهل اسلام» که در عقیده قلبی، شریک یکدیگرند (الراغب الأصفهانی، بی تا: ۲۹).

«سنت» در لغت به راه و روش نیکو و پسندیده گفته می‌شود (ابن منظور، بی تا: ۲۲۶). (سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ)؛ این سنت خداوند در اقوام پیشین است (سوره احزاب/ سوره ۳۳، آیه ۶۲). «طریقه الهی درباره کسانی که پیشتر بوده‌اند» و گاهی این واژه درباره مطلق راه و روش به کار می‌رود، هر چند پسندیده نباشد چنان که در حدیثی آمده: «و من سنَّ سنَّةَ سَيِّئَةٍ كان عليه وزرها ووزر من عمل بها» هر کس راه و روش بدی از خود به یادگار گذارد، علاوه بر گناه عمل خویش، در گناه عاملان به آن نیز، شریک می‌باشد (الطبرسی، بی تا: ۲۲۹).

تاریخ پیدایش اصطلاح «اهل سنت» چندان روشن نیست. از حدیثی که غزالی در «فضائح الباطنیة» نقل می‌کند، به دست می‌آید که برای نخستین بار پیامبر اسلام آن را به کار برده است. مضمون حدیث این است که ملت یهود هفتاد و یک گروه، و ملت نصاری هفتاد و دو گروه شدند، و امت من، هفتاد و سه گروه می‌شوند، یکی از آن‌ها اهل نجات، و دیگران اهل آتشند، سؤال شد، آن گروه ناجی کیست؟! فرمود: «اهل السنَّة والجماعة»، باز پرسیده شده، سنت و جماعت چیست؟ فرمود: آنچه من و اصحاب من بر آن هستند (غزالی، ۱۹۶۴: ۷۸).





غزالی مأخذ حدیث را ذکر نکرده، و این روایت به همین نحوی که او یاد کرده در مصادر معتبر حدیثی موجود نیست، آری واژه «جماعت» زیاد وارد شده ولی جمله «اهل السنه والجماعه» در کنار هم وارد نشده است. افتراق امت اسلامی در کتب روایی هست، ولی در مقام بیان ناجی، جمله «اهل السنه والجماعه» در آنها نیست، فقط دو محدث، لفظ یاد شده را در تفسیر آیه (یَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ)؛ در آن روزی که چهره‌هایی سپید و چهره‌هایی سیاه گردد (سوره آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۶). از پیامبر و ابن عباس نقل کرده‌اند، سیوطی می‌گوید: پیامبر آیه را تلاوت کرد آن‌گاه فرمود: اهل جماعت و سنت روسفید و بدعت گذاران روسیاه وارد محشر می‌شوند (سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۲: ۱۹۳). ابن کثیر از ابن عباس نقل می‌کند سیمای اهل سنت و جماعت سفید، و سیمای بدعت گذاران و هوی پرستان سیاه می‌شود (ابن کثیر، بی‌تا، جلد، ۳۹۸).

تا آنجا که به دست آمده اصطلاح اهل سنت بدون کلمه جماعت، در اوایل قرن دوم، رواج پیدا کرده و عمر بن عبدالعزیز در رساله‌ای که در ردّ قدریه نوشته، آن را به کار برده است، وی در خطاب خود به «قدریه» (طرفداران حریت انسان در گفتار و رفتار) می‌نویسد: «وقد علمتم ان اهل السنه كانوا يقولون: الاعتصام بالسنه نجاه و سيقبض العلم قبضا سريعا»؛ می‌دانید اهل سنت گفتند تمسک به سنت راه نجات است و علم و دانش به زودی جمع می‌شود (غزالی، پیشین، ۷۸-۷۹).

مفهوم استان کرمان: استان کرمان در جنوب شرقی فلات ایران بین ۵۴ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه عرض شمالی با مساحت ۱۸۳۵۰۶٫۴ کیلومتر مربع واقع شده است. و بیش از ۱۱/۱۵ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. استان کرمان از شمال به استان‌های خراسان جنوبی و یزد، و از جنوب به استان هرمزگان، و از شرق به استان سیستان و بلوچستان و از غرب به استان فارس محدود شده است. از سال ۱۳۱۶ که اولین تقسیمات کشوری قانونی شد و استان کرمان استان هشتم نام گرفت تاکنون تغییرات متعددی در تقسیم‌بندی‌های کشوری بوجود آمده است. استان کرمان تا پایان سال ۱۳۹۱ دارای ۲۳ شهرستان، ۵۸ بخش، ۷۱ شهر و ۱۵۱ دهستان بوده است. شهرستان‌های استان شامل: ارزوئیه، انار، بافت، بردسیر، بم، جیرفت، رابر، راور، رفسنجان، رودبار جنوب، ریگان، زرنند، سیرجان، شهربابک، عنبرآباد، فاریاب، فهرج، قلعه گنج، کرمان، کوهبنان، کهنوج، منوجان و نورماشیر می‌باشد. در سال ۱۳۹۱ در مجموع ۱۱۷۹۹ آبادی در استان وجود دارد که از این تعداد ۵۲۳۵ آبادی دارای سکنه دائمی ۶۵۶۴ آبادی خالی از سکنه



می باشند (سالنامه آماری استان کرمان، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

قبل از پرداختن به تاریخچه وهابیت، لازم است به پیشگویی رسول گرامی اسلام (ص) از ظهور وهابیان بیان کنیم: در کتب معتبر اهل سنت روایاتی از پیامبر گرامی (ص) آمده که اشاره به ظهور فرقه وهابیت شده است همان گونه که بخاری در صحیح خود از عبدالله عمر نقل می کند که گفت: «ذَكَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَأْمِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمَنِنَا. قَالُوا: وَ فِي نَجْدِنَا. قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَأْمِنَا، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي يَمَنِنَا. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي نَجْدِنَا؟ فَأُظِنُّهُ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ: هُنَاكَ الزَّلَازِلُ وَالْفِتَنُ، وَبِهَا يَطْلُعُ قَرْنُ الشَّيْطَانِ» (صحیح بخاری، جلد ۸، ص ۹۵ ح ۷۰۹۴، کتاب الفتن، ب ۱۶).

روزی پیامبر گرامی فرمود: خدایا منطقه ی شام و یمن را بر ما مبارک گردان! صحابه گفتن: منطقه نجد را چطور؟ حضرت سخن قبل خود را تکرار فرمود و صحابه از نجد پرسیدند حضرت در مرحله ی سوم فرمود: در نجد زلزله ها (تزلزل) و فتنه ها به وقوع خواهد پیوست و شاخ شیطان از آن جا طلوع خواهد کرد.

عینی از علمای بزرگ اهل سنت و شارح صحیح بخاری می نویسد:

مراد از شاخ شیطان، امت و حزب شیطان می باشد (عمده القاری، بی تا، ج ۷: ۵۹).

و همچنین بخاری در صحیح خود از ابو سعید خُدَری از پیامبر گرامی (ص) نقل کرده که فرموده است:

«يَخْرُجُ نَاسٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ، يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ، ثُمَّ لَا يَعُودُنَ فِيهِ حَتَّى يَعُودَ السَّهْمُ إِلَى فَوْقِهِ. قِيلَ مَا سِيْمَاهُمْ. قَالَ سِيْمَاهُمْ التَّحْلِيْقُ. أَوْ قَالَ: التَّسْبِيْدُ» (صحیح بخاری، جلد ۸: ۲۱۹، ح ۷۵۶۲)؛ افرادی از ناحیه ی مشرق، قیام می کنند و قرآن تلاوت می کنند و حال آن که قرآن از گلوگاه آنان تجاوز نمی کند (در قلب آنان تأثیر نمی گذارد) و از قرآن بهره نمی برند، این گروه از دین خارج می شوند همان گونه که تیر از کمان خارج می شود و دیگر به طرف دین بر نمی گردند مانند تیر که به سوی کمان بر نمی گردد.

از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند که: این فرقه چه نشانه ای دارند؟

فرمود: چهره این گروه با سرهای تراشیده، مشخص می شود.

زینی دحلان مفتی مکه مکرمه ضمن اشاره به این حدیث می نویسد: «ففي قوله سيماهم التحليق تصريح بهذه الطائفة لئنه كانوا يأمرن طوائف الخوارج و المبتدعه الذين كانوا قبل زمن هؤلاء» (دحلان الشافعی، بی تا: ۱۹)؛ «پس این کلام رسول خدا که سر تراشیدن نشانه بارز این طائفه شمرده شده است، صراحت در فرقه وهابیت دارد، زیرا تنها این فرقه



هستند که به پیروان خود دستور می دهند سر خود را بتراشند و این صفت در هیچ یک از فرقه های خوارج و بدعت گذار قبل از وهابیت دیده نشده است.»

همچنین در «الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه» در ادامه بحث پیرامون این روایت می نویسد: «به خاطر اینکه آنان (وهابی ها) به کسی که از آنها تبعیت می کند، دستور می دهند که سرشان را بتراشند و او را رها نمی کنند مگر اینکه آن شخص، سرش را بتراشد و این مطلب و خصوصیت در هیچ یک از فرقه هایی که در گذشته وجود داشتند واقع نشده است، پس حدیث درباره وهابیت صراحت دارد» (دحلان الشافعی، بی تا: ۵۰). زینی دحلان درباره اختلاف شدید وهابیت با علمای اهل سنت و مناظره های متعدد ایشان با علمای وهابی چنین می گوید:

«چون پسر عبدالوهاب و یاران خبیثش دعوت خود را - که موجب کافر شدن مسلمانان گردید- آشکار نمودند، قبائل شرق را یکی پس از دیگری تحت نفوذ خود درآورده و به بسط و گسترش قلمرو خود پرداختند. یمن و حرمین شریفین و قبایل حجاز را تصرف کرده و تا نزدیکی شام، آن مناطق را تحت سیطره و تسلط خود قرار دادند. در آغاز امر، گروهی از علمای خود را به حرمین فرستادند و می پنداشتند که آنان قادرند تا عقاید علمای حرمین را منحرف نموده و به شبهه و انحراف دچار سازند؛ ولی چون به حرمین رسیدند و عقائد خود را برای علمای حرمین بازگو کردند و آنقدر با ایشان به بحث و مناظره پرداختند تا برای علمای حرمین جهالت و گمراهی آنان قطعی گردید. علمای حرمین عقائد ایشان را مشتمل بر کفریات فراوان یافتند و بعد از اقامه برهان در مقابل ایشان، در نزد قاضی القضاة شهر مکه، استدلالی بر ضد آنها نوشتند که متضمن حکم به کفر ایشان به خاطر آن عقائد بود.

این حادثه در دوران حکمرانی «شریف مسعود بن سعید بن سعد بن زید» که در سال ۱۱۶۵ ه.ق درگذشت، اتفاق افتاد. وی حکم به زندانی نمودن این منحرفین نمود، و برخی از آنان به زندان افتاده و برخی دیگر به درعیه گریختند و مردم آنجا را، به آنچه که رخ داده بود، آگاه ساختند و به سرکشی و استکبار خود افزودند. بعد از آن حکام مکه مانع آمدن آنها برای انجام مراسم حج گشتند و آنها به برخی قبایل تحت امر امیر مکه هجوم برده و مردم را اذیت و آزار کردند، تا اینکه نبردی بین آنان و امیر مکه (شریف غالب) درگرفت که آغاز آن در سال ۱۲۰۵ ه.ق بود. در این مدت حوادث بی شماری اتفاق افتاد و مردم بسیاری کشته شدند» (همان، ۱۰).

وی همچنین به نقل از اهدل مفتی زید می نویسد:





«وكان السيد عبد الرحمن الأهدل مفتي زبيد يقول لا حاجة إلى التأليف في الرد على الوهابية بل يكفي في الرد عليهم قوله صلى الله عليه وسلم سيماهم التحليق فإنه لم يفعله أحد من المبتدعة غيرهم» (همان، ۱۹).

«سید عبدالرحمن اهدل، مفتی منطقه زبید می گفت: در نقد عقائد وهابیت نیازی به تألیف کتاب نیست بلکه همین حدیث پیامبر که ویژگی های این فرقه را سر تراشیدن معرفی کرده، برای بطلان عقیده آنان کفایت می کند؛ زیرا غیر از وهابیت هیچ یک از فرقه های بدعت گذار این ویژگی را ندارند».

روزی محمد بن عبدالوهاب به یک زن دستور داد که سرش را بتراشد، آن زن به وی گفت: تو که می گویی زنان باید سر خود را بتراشند؛ باید دستور دهی مردان هم ریش خود را بتراشند؛ زیرا ریش مرد، همانند موی زن، زینت او محسوب می شود. محمد بن عبدالوهاب در پاسخ این زن عاجز ماند (قزوینی، ۱۳۹۱: ۹۳-۹۰).

تاریخچه وهابیت در عربستان

در طول تاریخ اسلام پیوسته افراد و گروه هایی بوده اند که در فهم اسلام، گرایش به خشکی، جمود و تعصب داشته اند. اگر چه بر حسب شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی قدرت نفوذ افرادی که چنین تمایلاتی داشته اند در نوسان بوده، اما همیشه در صحنه حضور داشته اند. آیین وهابیت با الهام گیری از اندیشه های افرادی هم چون: بربهاری، ابن بطه عکبری و ابن تیمیه به وسیله ی محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم هجری در نجد - یکی از شهرهای عربستان- بنیانگذاری شد و به مدد شرایط مساعد تاریخی، طبیعی، اجتماعی و سیاسی مناسب در آن زمان توانست در فراز و نشیب زمان، موجودیت خود را هم چنان حفظ کند و پس از مدتی پیروانش قدرت را در حساس ترین مکان مقدس اسلامی به دست گرفتند و به تبلیغ و دعوت پرداختند. فرصت طلایی که برای هیچ یک از گذشتگان دارای اندیشه های شبیه عقاید او پیش نیامد. وهابیت در حال حاضر بیشتر رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته و با تشیع و انقلاب اسلامی به مقابله برخاسته است. وهابیت با دمییدن روح نفاق و تفرقه در میان مسلمانان خدمات بسیاری به استعمار در جهت چپاول و غارت منابع مسلمین و تخریب تمدن و فرهنگ تاریخی مسلمانان انجام می دهد.

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در یکی از روستاهای نجد به دنیا آمد (زرکلی، بی تا، ج ۶: ۲۵۷). و بر اثر مطالعه ی کتاب های اخبار مدعیان نبوت چون





مسيلمه‌ی كذاب و اسود عنسی^۱ (ابن اثیر، ج ۲: ۲۰۱) و كتاب‌های ابن تیمیه افكار و نظرات او در محمد بن عبدالوهاب تأثیر بسیاری گذاشته و راه و روش خود را بر مبنای افكار ابن تیمیه قرار داد (امینی، ۱۳۷۲ ه. ش، ۱۹۷ و ۱۹۸) و استغاثه و توسل به پیامبر اکرم (ص) را انکار کرد. استادانش که آثار گمراهی را در او می‌دیدند مردم را از او بر حذر می‌داشتند و نسبت به آینده‌ی او بیمناک بودند (امین عاملی، ۱۳۶۵: ۳). او سرانجام پس از چهارسال زندگی در بصره، به حریمله رفت (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۶). و بعد از مرگ پدرش آشکارا به انکار و مخالفت با عقاید مردم پرداخت (شکری آلوسی، بی تا: ۱۰۷). طرح آراء محمد بن عبدالوهاب در شرایطی رخ داد که جهان اسلام از چهارسو مورد هجوم استعمارگران بود، در چنین شرایطی که مسلمانان بیش از هر زمان دیگری به اتحاد برای مقابله با استعمارگران روس و انگلیس و فرانسه و آمریکا نیاز داشتند، محمدبن عبدالوهاب مسلمانان را به دلیل شفاعت خواهی و توسل و زیارت قبور اولیاء الله متهم به شرک و کفر کرده و ریختن خون مسلمانان را واجب می‌دانست (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۵). بعد از ورود محمد بن عبدالوهاب به درعیه و بسته شدن پیمان همکاری میان او با امیر درعیه محمد بن سعود (جد آل سعود)، (حسین بن غنام، ۱۴۱۵ ه. ق: ۸۱) محمد بن عبدالوهاب به پشتیبانی قوای نظامی محمد بن سعود توانست دعوت خود را در سراسر نجد بگستراند و محمد بن سعود هم از رهگذر ترویج عقاید محمد بن عبدالوهاب و به اسم جهاد علیه کفار توانست تمام سرزمین نجد را تصرف کند (شکری آلوسی، پیشین، ۱۱۰). سرانجام محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۲۰۶ هجری قمری در درعیه درگذشت (آل بسام، ۱۳۹۸ ه. ق، ج ۱: ۲۰). و پس از درگذشت محمد بن عبدالوهاب پسر بزرگ او، عبدالله جای پدر را گرفت و به عنوان رهبر وهابیان در حکومت آل سعود قرار گرفت، بعد از عبدالله فرزندان او در جای پدر قرار گرفتند و هم اکنون تعداد زیادی از نوادگان محمد بن عبدالوهاب در شهر درعیه زندگی می‌کنند و به بیت «آل الشیخ» معروف‌اند (دحان، ۱۳۰۵ ه. ق: ۲۲۹).

عقاید وهابی‌ها

وهابیان مسلمانان را به بهانه‌های واهی تکفیر کرده و ریختن خون آنان را واجب می‌دانند و در مقابل با دشمنان اسلام از در سازش و مدارا وارد می‌شوند (ابوالعلی تقوی، بی تا: ۲۴). از دیدگاه وهابیان توحید بر دو نوع است: توحید الوهیت و توحید ربوبیت و تمام فرق اسلامی نسبت به توحید الوهیت جاهل هستند چون توحید الوهیت





عبارت است از: پرستیدن خداوند به تنهایی (الفقی، چاپ هشتم: ۲۴ و ۱۱۰) در حالی که فرقه های اسلامی با توسل و استغاثه به غیر خدا و شفیع قرار دادن یکی از اولیاء و انبیاء، غیر خدا را در جای خداوند قرار داده و پرستش می کنند و این موجب شرک و کفر است (همان، ص ۱۱۰). وهابیان خداوند سبحان را به خلق تشبیه کرده و او را دارای اعضاء و جوارح می دانند و برای اثبات ادعای خود آیاتی از قرآن کریم را که دلالت بر صفات خبریه خداوند دارد، تأویل نکرده و بنابر ظاهر آیات به رأی خود آن را تفسیر می کنند (امین عاملی، ۱۴۸ و ۱۴۹). از دیگر عقاید محمد بن عبدالوهاب می توان به تأکیدی که او بر عدم گرامی داشتن پیامبر اکرم (ص) داشت اشاره کرد (تقوی، بی تا: ۲۴). محمد بن عبدالوهاب با انتشار عقایدش توانست طرفدارانی را جذب کند که در راه انتشار افکار و عقایدش به او کمک کردند (آل بسام، بی تا، ج ۱: ۱۴۶ و ۱۴۷). اما او مخالفان بسیاری نیز داشت که پدر و برادرش سلیمان جزء اولین کسانی بودند که با عقاید او مخالفت کردند و حتی برادرش سلیمان نیز در ردّ عقاید محمد بن عبدالوهاب، کتاب الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه را نوشت (فقیهی، ۱۳۶۶: ۱۹۴). علاوه بر پدر و برادر محمد بن عبدالوهاب، بسیاری از علمای اهل سنت نیز در ردّ افکار و عقاید محمد بن عبدالوهاب کتاب هایی نگاشته اند و شیعیان نیز در ردّ افکار محمد بن عبدالوهاب کتاب هایی نوشته اند چون کتاب منهج الرشاد لمن اراد السداد شیخ جعفر کاشف الغطاء (کاشف الغطاء، ۱۴۱۴ هـ. ق: ۷) و...

ردپای سلفی گری در اهل سنت ایران

۱- حوزه علمیه

الف - متون آموزشی مدارس اهل سنت: کتب درسی حوزه علمیه از مهم ترین عوامل نظام مند کردن فکری طلاب می باشد. بنابراین انتخاب نوع مطلب بیان شده خیلی مهم تأثیرگذار است گرچه دسترسی کامل به منابع درسی حوزه های اهل سنت و مطالعه ی کتب آن ها به دلایلی ممکن نبود اما قطعاً در بعضی از کتب آموزشی حوزه های اهل سنت که هم اکنون تدریس می شود اندیشه های سلفی گری است

ب- حملات تروریستی: اگر نگاهی اجمالی به عملیات هایی که در این چند سال اخیر در سیستان و بلوچستان اتفاق افتاده است کنیم غالب عملیات های تروریستی از جانب طلاب یا مرتبط با طلاب ایجاد شده است که نشانگر نفوذ سلفی گری در میان طلاب و





حوزه‌های اهل تسنن است و در این عملیات‌ها شیعیان هدف حمله قرار گرفته‌اند. که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم: - جنایت گورناک در سال ۷۸ توسط ملاکمال صلاح‌زهی با ۳۶ شهید؛ - انفجار و تخریب مسجد علی ابن ابی طالب در سال ۷۹ توسط حزب الفرقان بلوچستان به سرکردگی مولوی ملوک؛ - جنایت تاسوکی در تاریخ ۸۴/۱۲/۲۵ توسط عبدالمالک ریگی که منجر با ۲۵ نفر شهید؛ - جنایت دارزین در تاریخ ۸۵/۵/۱۷ توسط عبدالحمید ریگی با ۱۲ نفر شهید؛ - جنایت بلوار ثار الله زاهدان در تاریخ ۸۵/۱۱/۲۵ توسط شبیه زهی از افراد دوره دیده در جماعت تبلیغی با ۱۲ شهید؛ - جنایت انفجار مسجد علی ابن ابی طالب در تاریخ ۸۸/۳/۷ توسط عبد الخالق ملازهی طلبه منبع‌العلوم سرباز با ۲۰ نفر شهید. - کشته شدن ۱۴ مرزبان هنگ مرزی سیرکان از توابع شهرستان سراوان و زخمی شدن شش مرزبان در تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۰۳. - دستگیری ۵ مرزبان ایرانی در بند نیروهای جیش‌العدل در اسفند ماه ۱۳۹۲.

ج - ارتباط با طالبان: قبل از اینکه در رابطه با ارتباط بعضی از طلاب اهل سنت استان با طالبان مطالبی بیان شود لازم است به صورت مختصر چگونگی شکل‌گیری و عملکرد طالبان بیان شود:

۲- کتب و مجلات اهل سنت: اگر به کتابخانه یا کتابفروشی‌های اهل تسنن مراجعه شود؛ در بین کتب آن‌ها تفکرات و اندیشه‌های ضدشیعی را می‌توان یافت. همان مسائلی را که وهابیت به عنوان مشرک بودن شیعه مطرح می‌کنند در بین این کتب نیز موجود است، بعضی کتب در پاکستان چاپ شده است و در استان توزیع می‌شود. اما درباره‌ی مجلات، مهم‌ترین مجله اهل سنت استان فصلنامه ندای اسلام است که این مجله هم در بعضی از شماره‌های خود رویکرد ضد شیعی دارد.

۳- سایت‌ها و وبلاگ‌های اهل سنت: شناسایی سایت‌ها و وبلاگ‌های اهل سنت گرچه به دلیل فیلتر شدن یا عدم معرفی سایت کمتر قابل شناسایی است، اما بعضی از آن‌ها که شناسایی شده‌اند و فیلتر نیستند اندیشه‌های شیعی را زیر سؤال می‌برند.

۴- لوح‌های فشرده (سی‌دی‌ها و دی‌وی‌دی‌ها): لوح فشرده به دلیل مزایای مختلف از جمله کم خرج بودن تهیه آن و انتقال زیاد اطلاعات توسط آن‌ها به راحتی مردم را تغذیه فکری می‌کنند.

به چند نمونه از لوح‌ها که در استان پخش می‌شود اشاره می‌شود: - سخنرانی‌های افرادی که مروج تفکر سلفی‌گری هستند همچون نعمت‌الله توحیدی و... - پخش سی‌دی‌های عملیات‌های گروه‌های تکفیری همچون گروهک ریگی در استان؛ پخش





نرم افزارهای کامپیوتری حاوی کتب وهابیت همچون نرم افزاری بنام کتابخانه عقیده که حاوی ۷۱۶ کتاب فارسی است که تعداد زیادی از آنها ترجمه کتب وهابیت است.

۵- شبکه ماهواره‌ای نور: این شبکه ماهواره‌ای گرچه از خارج کشور پخش می‌شود اما متعلق به اهل سنت استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان است و افتتاح آن توسط مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان بوده است.

۶- ختم بخاری: ختم بخاری مراسمی است که همه ساله در ماه رجب به مناسبت فارغ‌التحصیلی عده‌ای از طلاب حوزه علمیه در زاهدان با حضور هزاران نفر از زن و مرد اهل سنت ایران بخصوص هرمزگان که با گرفتن اتوبوس‌های دربستی به زاهدان! برگزار می‌شود! و علت نامیدن این مراسم به این نام به خاطر این است که در سال دوم خارج که سال چهاردهم حوزه است یکی از کتب درسی آنها صحیح بخاری است که عنوان آخرین کتاب در دوره حدیث خوانده می‌شود. از این مراسم به مراسم دستاربندی یا عمامه‌گذاری نیز یاد شده است و بعد از این مراسم به افراد فارغ‌التحصیل، مولوی می‌گویند. مراسم ختم بخاری مخصوصاً ختم بخاری دارالعلوم زاهدان چندین سالی است که محفلی برای انتقاد از نظام و تفکرات شیعه شده است در این محفل میهمان‌هایی از داخل و خارج کشور دعوت می‌شوند.

۷- جماعت تبلیغی: مبلغان جماعه التبلیغ به عنوان پرچمداران اهل حدیث و سلفی‌گری در هند و پاکستان شناخته می‌شوند و در باب توسل به اولیای الهی و توجه به قبور، دیدگاه شاه ولی‌الله دهلوی را تبلیغ می‌کنند تأکید بر نماز و روزه، داشتن محاسن، عدم توسل به اولیاء عدم احترام به قبور از مهم‌ترین آموزه‌های آنان است آنها مراسم سوگواری، جشن‌ها و عید نوروز را بدعت دانسته و نسبت به خلفای راشدین تعصب خاصی دارند (فرمانیان، ۱۳۸۷: ۱۷۴).

این جماعت فعالیت گسترده‌ای دارند و با کشور پاکستان در ارتباط‌اند و گاه این جماعت چند روزی از ایران به پاکستان می‌روند و گاه جماعت تبلیغی از پاکستان به ایران سفر می‌کنند و طبق تحقیقات میدانی بدست آمده در استان جماعت تبلیغ از مهم‌ترین مروجان اندیشه سلفی‌گری در بین عوام است.

۸- ترور مستبصرین: با توجه به نفوذ افکار تکفیری بر همگان روشن است که شیعه شدن همراه با تکفیر و قتل است، بخاطر همین بسیاری از سنی‌هایی که گرایش به شیعه دارند جرأت ابراز آن را ندارند. در سال‌های گذشته نمونه‌های زیادی از ترور مستبصرین در منطقه داشتیم.



مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های بسیج قومی و سیاسی شدن قومیت‌ها: بسیاری و نه همه هویت‌های قومی، سیاسی می‌شوند. هویت‌های قومی - سیاسی هویت‌های قومی‌ایی هستند که سیاسی شده‌اند. این واژه، به شیوه‌ای حساب شده بر اهمیت تعامل علت و معلولی میان اجزای قومی و سیاسی این هویت‌ها در زمینه شکل‌گیری، بسیج و تعامل با سازمان‌های مشخص، قواعد سازمانی و عوامل تأثیرگذار بین‌المللی، تأکید می‌ورزد. این هویت‌ها، در چارچوب طیفی مختلف از تعامل‌ها میان رهبران و توده‌ها ایجاد می‌شوند؛ به گونه‌ای که محاسبات عقلانی هر فرد عضو گروه، از ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌های موجود تأثیر می‌پذیرد. هر نظریه درباره هویت‌های ساخته شده، به ناچار باید بخش عمده‌ای از توجه خود به نگاه ابزار انگارانه و عقلانی نخبگان در ایجاد چنین هویتی معطوف کند. البته همه تحلیل‌گران این دیدگاه را نمی‌پذیرند.

در مورد بسیج قومی رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد که عبارتند از: تأکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان متغیرهای تبیینی اصلی که در آثار والرشتین و مایکل هشتر منعکس است؛ کثرت‌گرایی فرهنگی به عنوان یک متغیر اصلی عنوان شده در اثر جوزف فور نیوال و ام. جی. اسمیت؛ «رقابت بر سر منابع» که در آثار ناتان گلنزر و دانیل موینیهان، فردریک بارت و سوزان اولزاک به آن اشاره شده است؛ نظریه «رقابت نخبگان» منعکس آثار آنتونی اسمیت، جوزف روتشیلد و به ویژه پل براس و سرانجام نظریه‌ی انتخاب حسابگرانه که در آثار جدیدتر مایکل هشتر و مایکل بانتون بر آن تأکید شده است. در همه این مکاتب نظری تلاش شده است علل و شیوه‌های سیاسی شدن قومیت‌ها و بسیج قومی در دوران جدید تبیین شود.

نظریه رقابت بر سر منابع: بر اساس این رهیافت ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت - ملت خاص، چهارچوبی فراهم می‌سازد که در آن رقابت بر سر منابع - به ویژه مشاغل دولتی - انگیزه عمده کشمکش میان قومی را به وجود می‌آورد. هویت‌یابی قومی به عنوان اساس اقدام جمعی زمانی تحقق می‌پذیرد و حفظ می‌شود که امتیازات آشکاری وجود داشته باشد که با تکیه بر هویت قومی بتوان برای دست یافتن به آن‌ها با دیگران رقابت کرد. این رقابت میان گروه‌های قومی عامل بسیج قومی است و منجر به تشکیل سازمان‌های قومی و افزایش هویت‌های قومی می‌شود از نظر گیلروز موینی هان، با ظهور دولت رفاهی و گرایش کلی دستگاه دولتی به ایفای نقش داور در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی، قومیت به عنوان عامل تأمین و گسترش منافع





مادی کاربرد گسترده استراتژیک پیدا کرد (برنل و رندال، ۱۳۸۷: ۱۱۲). از آنجا که قومیت ناسیونالیسم قومی از شاخص های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می آید، امنیت همه کشورها علی الخصوص ایران که در چهار راه تمدنی و قومی قرار دارد، بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد. در جمهوری اسلامی ایران به نظر می رسد وجود یک قطب قومیتی و ناسیونالیسم مرتبط با آن در غرب و جنوب شرقی کشور و همراهی با دو گسست دینی و به ویژه اقتصادی و تحریکات بیگانگان می تواند خطر آفرین باشد. در نتیجه تضمین اهمیت ملی به عنوان مهم ترین شاخصه های حکومت جمهوری اسلامی ایران در اینجا نمایان می شود و جلوگیری از تبدیل مشکلات قومی - فرقه ای و ادعای ناسیونالیسم قومی به چالش و در نهایت بحران نیازمندی ها و انسجام درونی ضرورت پیدا می کند (احمدی، ۱۳۷۸: ۸۶).

نظریه شکنندگی داخلی: در این تحقیق سعی شده است که با استفاده و کمک از نظریه شکنندگی داخلی در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق یعنی دلایل بررسی نفوذ اندیشه های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان برآید. بر اساس این نظریه، هراس کشورها و دولت های دیگر از وحدت بین فرقه های اسلامی زمانی به وجود می آید که بترسند وحدت کشور رقیب برای آن ها مسئله و بحران ایجاد کند. بر اساس این نظریه دشمنان انقلاب اسلامی که نتوانستند از طریق سخت افزاری ایران را از پای در آورند و در یک جنگ نرم تمام عیار به دنبال ایجاد اختلافات قومی و مذهبی و همچنین ایجاد شکاف اجتماعی در ایران برای رسیدن به شکنندگی از داخل ایران هستند (رضا، ۱۳۹۰، ۱۲۶).

تاریخچه ی حضور اسلام در استان کرمان

سابقه حضور اعراب در کرمان: بنا بر برخی از روایات به طور کلی اسکان قبایل عرب در داخل سرزمین های ایران مانند بیابان های کرمان به سال ها پیش از ظهور اسلام و به عهد شاپور دوم باز می گردد (ابن بلخی، ۱۳۴۴: ۶۹). در زمان ساسانیان زوالاکتاف به دیاربکر و شام حمله کرده و اعراب را هلاک نمود و جماعتی را که تسلیم شدند امان داده و در بیابان ها و جزایر سکونت داد و جماعتی از قبایل بنی بکر بن وائل، ثعلب و عبدالقیث را در کرمان، توج (شهری در فارس) و اهواز سکونت داد که بکر ابان نام گرفتند (طبری، ۱۹۹۲، ج ۱: ۱۵). از جمله شهرهای عرب نشین ایلات کرمان در قرن چهارم هجری می توان به ماهان و جیرفت اشاره کرد. شهر ماهان تا پایان قرن مذکور شهری عرب نشین بود (احمد مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۳). شاهپور زوالاکتاف حدود ۵۰۰۰



خانوار از اعراب بحرین، عربستان را به ایالت کرمان تبعید کرد و دستور داد که هر دسته از آن‌ها را در یکی از شهرهای کرمان ساکن کنند و آن‌ها چون در بعضی از شهرها همانند جیرفت با آب و هوای مشابه موطن خویش برخورد کردند در آنجا اقامت کرده و شروع به آبادی و کسب و کار کردند (وزیری، ۱۳۶۴: ۴۳). اعراب از همان ابتدا در کرمان با ساکنان آنجا اختلاط نژادی پیدا کردند و از همان زمان زبان عربی در شهرها و روستاهای کرمان منسوخ شد.

فتح کرمان به دست اعراب مسلمان

پس از نبرد اعراب مسلمان با سپاه ساسانی در نهاوند و پیروزی قطعی مسلمانان عرب در این جنگ در سال ۲۱ ه.ق که به دلیل اهمیت زیاد، اعراب آن را (فتح الفتوح) نامیدند (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۳۱)، مقاومت سازمان یافته ایرانیان به پایان رسید و راه تصرف مناطق مرکزی و شرقی ایران برای مسلمانان هموار شد. با فرار یزدگرد، دولت ساسانی سقوط کرد و اعراب شهر به شهر به سمت شرق ایران پیشروی کردند در همین سال، عمر بن خطاب خلیفه وقت مسلمین، فرمان تعقیب سپاه ایران و ورود به مناطق مرکزی ایران از جمله اصفهان، فارس و کرمان را صادر کرد (طبری، همان، ج ۲: ۳۷۹).

منابع مختلف و دسته اول تاریخی، فتح کرمان را با اختلاف نظر ذکر نموده‌اند و روایت گوناگونی در این باره ذکر شده است (ابن اثیر، ۱۳۵۱، ج ۲: ۵۵۳). اما کار اصلی ایالت کرمان، در زمان خلیفه سوم، توسط عبدالله بن عامر بن کریم، خویشاوند عثمان انجام گرفت (بلاذری، همان: ۲۶۴). بنابراین با توجه به روایت متعدد درباره فتح کرمان و همچنین اختلاف نظر مورخان درباره سال فتح این ایالت چنین به نظر می‌رسد که یورش سهیل بن علی که بیشتر مورخان تحت عنوان فتح کرمان از آن یاد کرده‌اند همچون نواحی ساحلی کرمان از قبیل هرمز پس از سال ۲۳ ه.ق انجام گرفت و فتح نواحی شمالی و فتح نقاط مرکزی به ویژه دو شهر مهم این ایالت یعنی سیرجان و بردسیر (کرمان امروزی) توسط عبدالله بن بدیل از طریق طبرس در حدود سال‌های ۲۵ و ۲۶ هجری و به احتمال زیاد پس از سال ۲۹ ه.ق توسط مجاشع بن مسعود سلمی صورت گرفته است. زیرا فتح کرمان پس از فتح نواحی فارس صورت گرفته است. در رابطه با پیشروی و گسترش اسلام در منطقه کرمان که در روزگار خلافت عثمان بن عفان، صورت گرفته و سیطره‌ی مسلمانان در این مناطق تثبیت شد (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۱: ۴۶۶). البته حضور یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی که برای مدتی نیز در کرمان بود، در تحریک مردم برای برپایی شورش‌ها



بی تأثیر نبوده است (خداوردی تاج آبادی، ۱۳۸۶: ۴۵).

اهل سنت در کرمان

قوای مسلح اسلام از سال ۲۵ هجری وارد کرمان گردید و مردمان این ایالت به آرامی و به تدریج اسلام را پذیرفتند. به دنبال اختلاف و افتراقی که میان مسلمانان به وجود آمد، ایالت کرمان علاوه بر ادیان و آیین‌های زرتشتی و مسیحی از همان سده‌های نخستین اسلامی میزبان فرق متعدد و گوناگون مذهبی گردید. فرق اسلامی در کرمان، خود دو گروه اهل تسنن و تشیع را شامل می‌شده است. از آنجا که ورود اسلام به کرمان همچون سایر مناطق با حاکمیت اهل تسنن همراه بود در ابتدای امر اسلام ضمن گرایش به مذاهب اهل سنت رواج بیشتری یافت. اما فرق اهل سنت که آن‌ها همچون سایر گروه‌های مذهبی اسلامی، به انشعابات و دسته‌هایی تقسیم شدند، به طور کلی به دو مکتب فقهی و کلامی تقسیم می‌شوند. از جمله فرقه‌های فقهی اهل سنت که در سده‌های نخستین اسلامی در ایالت کرمان رواج داشتند؛ می‌توان به مذهب شافعی، حنفی و مالکی اشاره کرد (احمد مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۹۱). چنانکه مقدسی آورده است: «مذهب اکثریت مردم کرمان با شافعیان است مگر در جیرفت که حنفی‌اند. به علاوه پیروان ابو حنیفه در مناطق دیگر کرمان نیز بسیارند. حدیث‌گرایان، در همه جا رو به چیرگی هستند و به جز هرمز» (همان، ۶۹۲-۶۹۱) همچنین ذکر شده که غالب مردم ولایت سیرجان پیرو اهل حدیث بوده‌اند. از آنجا که در برخی منابع به تنی چند از رجال و پیروان مذهب حنبلی اشاره شده، می‌توان پی برد این مذهب در ایالت کرمان به ویژه سیرجان پیروانی داشته است (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۷).

وضعیت اهل سنت کرمان در قرن پنجم هجری

اهل سنت در کرمان، همانطور که قبلاً ذکر شد، عمدتاً به یکی از مذاهب حنفی و شافعی گرایش داشته‌اند (حامد کرمانی، ۱۳۷۳: ۱۳۲).

سیاست مذهبی سلاجقه کرمان: به طور کلی افراد قبیله سلجوقی حنفی مذهب بودند (راوندی، ۱۳۶۲: ۱۷). آنان خلیفگان بغداد را جانشین حقیقی رسول خدا می‌دانستند و در احترام و تقویت و تأیید آنان مبالغه کردند و به همین جهت با شیعه و باطنیه که خلیفه بغداد را به حق نمی‌دانستند، مخالفت و دشمنی سخت نمودند و یکی را از دیگری بدتر می‌دانستند (طوسی، ۱۳۳۴: ۲۰۱). تقویت و تأیید خلیفه بغداد از همان آغاز تسلط سلاجقه



بر ممالک اسلامی آغاز شد. طغرل سلجوقی بنیان‌گذار سلاجقه شخصاً مردی دیندار بود و به خلیفه بغداد ارادت خاص می‌ورزید و او را واجب‌الطاعه می‌دانست. سایر سلاجقه نیز در تعصب به این سیاست یعنی تأیید خلافت عباسی و مذاهب اهل سنت و مخالفت با فرقی که فقها و ائمه اهل سنت و جماعت با آنان مخالفت می‌ورزیدند، همانند شیعیان عثنی‌عشری، قرابطه و باطنیه و ... غلو می‌کردند و قتل وزرا خود در صورتی که متوجه «الحاد» و «زندقه» ایشان می‌شدند، امتناعی نداشتند. سلاطین حنفی مذهب سلجوقی با زخم شمشیر، کشتار مخالفان و خوار کردن پیروان دیگر مذاهب، سیاست مذهبی خود را جامعه عمل پوشاندند (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۷). به هر حال در دوران اولیه حکومت سلجوقی، مذهب حنفی مورد حمایت دولت قرار گرفت. از طرفی خواجه نظام الملک طوسی که در زمان آلبارسلان به منصب وزارت دست یافت در ترویج مذهب شافعی کوشید (کسائی، ۱۳۷۴: ۶۷). قاورد (۴۴۰ تا ۴۶۶ ه.ق)، بنیان‌گذار سلجوقیان کرمان، حنفی مذهب بود. اما بر خلاف سلوک سلاجقه بزرگ، توجه چندانی به مسائل مذهبی نداشت. وی حتی به مسائل مذهبی با دیده اغماض می‌نگریسته است. افضل کرمانی می‌گوید در زمان وی مردم کرمان عمدتاً یا حنفی یا شافعی بودند (حامد کرمانی، ۱۳۷۳: ۱۳۲). البته این تقسیم‌بندی مربوط به شهر بردسیر (کرمان امروزی) بود و بنا به گزارش اصطخری، اهل رودبار و بلوچ و منوگان (منوجان) مذهب شیعه داشتند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۷). در زمان قاورد هیچ‌گاه تعصب مذهبی نسبت به شیعیان کرمان نشان داده نشده و هیچ‌گونه اختلاف مذهبی میان وی و گروه‌های مختلف مذهبی به وجود نیامد. سپس در ابتدای قرن پنجم هجری قاورد سلجوقی کرمان را به تصرف خویش در آورد، قدرت فقیهان اهل سنت رو به گسترش نهاد. بدین ترتیب از زمان قاورد اهل سنت و به خصوص فقهای حنفی مذهب رو به ازدیاد و گسترش رفت (حامد کرمانی، پیشین).

راه‌های مقابله با نفوذ اندیشه وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان

۱- تأسیس مرکزی جهت جمع‌آوری کتب، جزوات، لوح‌های فشرده، و گردآوری شبهات مطرح شده در استان (متأسفانه یکی از ضعف‌هایی که متوجه حوزه علمیه است کم‌اطلاعی از مطالبی است که در استان به طور عام و در حوزه‌های علمیه اهل سنت به طور خاص مطرح است)؛

۲- برگزاری نشست‌ها و کلاس‌هایی برای طلاب مبلغین استان با رویکرد جوابگویی به شبهات اهل سنت استان و نیز مباحثات و مناظرات صوری بین طلاب جهت تسلط



بر جواب گویی؛

۳- تقویت فکری و مالی حوزه‌های علمیه شیعه‌ی استان که باید مدافعان فکری مذهب اهل بیت در برابر شبهات باشند؛

۴- تأسیس مؤسساتی چون مؤسسه کلام و مذاهب اسلامی در استان‌ها برای تقویت و پشتیبانی فکری همان طور که می‌دانید کانون فعالیت آن‌ها استان است و هیچ مرکزی جهت پاسخگویی به شبهات و اشکالات آن‌ها نمی‌باشد و این به ضرر شیعه است؛

۵- با توجه به اینکه تعداد طلاب اهل سنت حنفی (غیر از فارغ‌التحصیلان) هستند. بدین منظور تشویق و سعی در جهت جذب طلبه بومی و بالا بردن ظرفیت پذیرش طلبه در استان از ضروریات می‌باشد؛

۶- ایجاد انس و الفت بین حوزه علمیه و طلاب اهل تشیع و تسنن. تا وقتی فضای بین طلاب دو مذهب فضای دشمنی و کینه باشد شنیدن کلام یکدیگر و قبول کلام حق امکان ندارد و فضای دوستی آنگاه اتفاق می‌افتد که اولاً به مقدسات یکدیگر توهین نکنند، متأسفانه سخنرانی بعضی از سخنرانان که به مقدسات توهین می‌کنند در استان پخش می‌شود و این فضای بین دو مذهب را تیره‌تر می‌کند. به اعتقاد یکی از محققین، مبلغین باید قبل از اینکه یک مبلغ باشد باید یک روانشناس، جامعه‌شناس و ... باشد. جامعه‌ی بلوچ را با سنت‌ها و اعتقادات ویژه‌اش بشناسد تا بتواند بدون اینکه مردم را بشوراند تحول ایجاد نماید (اعظمی و همکارانش، ۱۳۹۱: ۱۳۴). ثانیاً رفت و آمد بین حوزه‌ها و طلبه‌ها شیعه و سنی بیشتر شود؛

۷- روشن کردن دیدگاه شیعه و تمایز دادن بین فرق منتسب به شیعه مثل فرق صوفیه و علی‌اللهی و عمل عوام با اعتقادات شیعه؛

بعضی از طرق بیان دیدگاه شیعه: ۱. انجام مسابقاتی از طریق کتب، جزوه و سی دی با رویکرد نیاز منطقه و شبهاتی که آنجا مطرح است؛ ۲. افزایش نشست‌هایی بین علمای شیعه و سنی همچون همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی^۱؛ ۳. بیان از طریق صدا و سیما؛ ۴. بیان از طریق مبلغین اعزامی و ...

۸- از دیگر اموری که باید انجام شود افزایش نشست بین علماء شیعه و سنی در رابطه با موضوعاتی چون توسل، توجه به قبور و غیره است. همایش علمی تحقیقی مذاهب

۱- همایش علمی تحقیقی مذاهب اسلامی همایشی است که همه ساله باهدف شناخت واقعی دیدگاه شیعه و سنی و زدودن اتهامات و تصورات ذهنی ناشایست و پیدا شدن نقاط مشترک در استان سیستان و بلوچستان از طرف نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت برگزار می‌گردد. این همایش در سه کمیسیون کلامی، حدیثی و فقهی، اجتماعی برگزار می‌گردد.





اسلامی شاید مهم‌ترین همایشی است که بین علماء شیعه و سنی توسط نهاد رهبری در امور اهل سنت سالی یک بار انجام می‌شود اما این نشست اولاً از جانب بعضی از مولوی‌ها متأسفانه تحریم شده است و ثانیاً درباره با موضوعات سلفی‌گری نشست کمتر برگزار شده است؛

۹- اجرای مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی (شماره ۷۴۳۸/دش ۱۳۸۶/۱۱) در خصوص ساماندهی مدارس اهل سنت که اجرای آن به نفع استان و کشور است. کل حوزه‌های رسمی اهل سنت استان (اعم از مدارس و مکتب‌خانه) ۲۰۰ حوزه است که از بین آن‌ها فقط ۱۰ حوزه این اجرای آن را پذیرفته‌اند؛

۱۰- شناسایی افرادی که سعی در ترویج این اندیشه‌ها دارند و درخواست مناظره با آن‌ها؛

۱۱- حمایت فکری و مالی از طلاب و مبلغینی که در استان به صورت دائم یا مقطعی مشغول فعالیت فرهنگی هستند. با توجه به اینکه اهل سنت با تمام قوای خود اعم از طلاب و جماعت تبلیغی کتب، سی دی و... مشغول به فعالیتند اما طلاب شیعه به خاطر عدم بودجه جهت مسابقات فرهنگی و جوایز و غیره قادر به فعالیت فرهنگی به نحو مطلوب نیستند به نظر می‌رسد طرح مرکز خدمات مبلغین (که به اعتقاد برخی بهترین کمک به مبلغین است) اگر تأسیس شود بسیاری از دغدغه‌های طلاب را پاسخگو می‌باشد (در صورت نیاز می‌توان این طرح را بیان کرد)؛

۱۲. استفاده از مولوی‌های میانه رو و معتدل در تلویزیون استانی جهت جوابگویی؛

۱۳. استفاده از فتاوی‌ای علماء خودشان در رد اندیشه‌های سلفی‌گری و چاپ کتب یا مقالات و پخش آن‌ها در استان؛

۱۴. یکی از راه‌های از بین بردن تفکر قومی‌گرایی استفاده از منابع کلامی اهل سنت است طبق منابع کلامی هر دو گروه کلامی ماتریدی و اهل حدیث قیام علیه حاکم اسلامی جایز نیست. در بین اهل سنت استان دو مذهب کلامی موجود است؛ غالب اهل سنت استان یا ماتریدی مذهب یا اهل حدیث هستند طبق مبنای کلامی هر دو گروه خروج علیه حاکم اسلامی حتی اگر جائز و فاسق و جائز باشد؛

۱۵. تدوین استراتژی نظام در مواجهه با اهل تسنن کشور؛

۱۶. ملموس کردن خدمات نظام برای عوام؛

۱۷. اداره ارشاد به کتبی که این اندیشه‌ها را ولو به صورت محدود ترویج می‌کند یا مجوز ندهد یا در صورتی بدهد که آن مطلب را حذف کند یا اگر دو پهلوست منظور



خود را طوری بیان کند که برداشت سوء از آن نشود؛

۱۸. جذب اهل سنت به بسیج یا سپاه؛

۱۹. فعالیت گروه‌های جهادی در میان مناطق سنی‌نشین.

نتیجه‌گیری

وهابیت جنبشی مذهبی است که محمدبن عبدالوهاب در قرن هجدهم در نجد عربستان بنیان گذاشت و از سال ۱۷۴۴ مورد پذیرش خاندان سعودی قرار گرفت. وی معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و بایستی از این مذهب حذف شود. این دیدگاه به یک پالایش اساسی در مذهب سنی اعتقاد داشت و زیارت قبور، تقدیس اولیاء و زندگی مجلل را از بزرگترین گناهان می‌دانست. از آنجا که وهابیت دست پرورده استعمار است مبنای آن با تفکرات اصیل اسلامی تفاوت اساسی دارد، این تفکر به نام اهل تسنن به دشمنی و مقابله با مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. البته دشمنی وهابیت منحصر به شیعیان نیست. تاریخ خود گواهی گویاست که وهابیت علاوه بر مقابله با شیعه‌ها ده‌ها جنگ بر علیه اهل تسنن نیز به راه انداخته است. همین امر به خوبی نشان می‌دهد که وهابیت به شیعه یا سنی بودن کاری ندارد بلکه با شگردهای گوناگون اهل تسنن را با خود همراه می‌کند و یا سوء استفاده از آنان از ظرفیت موجود به نفع خود بهره می‌برد. کشور ایران نیز به علت داشتن جمعیت نزدیک به ۲۰ درصدی اهل تسنن یکی از مراکزی است که مورد هجوم وهابیت قرار گرفته است.

با بررسی تاریخچه اهل سنت و کرمان در می‌یابیم؛ قوای مسلح اسلام از سال ۲۵ هجری وارد کرمان گردید و مردمان این ایالت به آرامی و به تدریج اسلام را پذیرفتند. به دنبال اختلاف و افتراقی که میان مسلمانان به وجود آمد، ایالت کرمان علاوه بر ادیان و آیین‌های زرتشتی و مسیحی از همان سده‌های نخستین اسلامی میزبان فرق متعدد و گوناگون مذهبی گردید. فرق اسلامی در کرمان، خود دو گروه اهل تسنن و تشیع را شامل می‌شده است. از آنجا که ورود اسلام به کرمان همچون سایر مناطق با حاکمیت اهل تسنن همراه بود در ابتدای امر اسلام ضمن گرایش به مذاهب اهل سنت رواج بیشتری یافت. اما فرق اهل سنت که آن‌ها همچون سایر گروه‌های مذهبی اسلامی، به انشعابات و دسته‌هایی تقسیم شدند، به طور کلی به دو مکتب فقهی و کلامی تقسیم می‌شوند. از جمله فرقه‌های فقهی اهل سنت که در سده‌های نخستین اسلامی در ایالت



کرمان رواج داشتند؛ می‌توان به مذهب شافعی، حنفی و مالکی اشاره کرد. چنانکه مقدسی آورده است: «مذهب اکثریت مردم کرمان با شافعیان است مگر در جیرفت که حنفی‌اند. به علاوه پیروان ابوحنیفه در مناطق دیگر کرمان نیز بسیارند. حدیث‌گرایان، در همه جا رو به چیرگی هستند و به جز هرمز» همچنین ذکر شده که غالب مردم ولایت سیرجان پیرو اهل حدیث بوده‌اند. از آنجا که در برخی منابع به تنی چند از رجال و پیروان مذهب حنبلی اشاره شده، می‌توان پی برد این مذهب در ایالت کرمان به ویژه سیرجان پیروانی داشته است.

جنوب و شرق استان کرمان به علت همجواری با استان سیستان و بلوچستان دارای اهل تسنن قابل توجهی است و علاوه بر این نزدیک به ۲۵۰ هزار افغانی در استان کرمان زندگی می‌کنند. شاید در نگاه اول تحرکات یا اندیشه‌های وهابیت مشخص و نمایان نباشد ولی با کمی دقت در افزایش تعداد مدارس، مساجد، حوزه علمیه و گرایش افراد به جذب در حوزه‌های علمیه اهل سنت می‌توان به این تحرکات پی برد. آن‌ها برای گسترش خود از ابزارهای اقتصادی، فرهنگی و برنامه زمان‌بندی دراز مدت در جهت رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

در این تحقیق در پی استفاده و کمک از نظریه شکنندگی داخلی در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق یعنی دلایل بررسی نفوذ اندیشه‌های وهابیت در بین اهل تسنن استان کرمان هستیم. بر اساس این نظریه، هراس کشورها و دولت‌های دیگر از وحدت بین فرقه‌های اسلامی زمانی به وجود می‌آید که بترسند وحدت کشور رقیب برای آن‌ها مسئله و بحران ایجاد کند. بر اساس این نظریه دشمنان انقلاب اسلامی که نتوانستند از طریق سخت افزاری ایران را از پای در آورند، در یک جنگ نرم تمام عیار بدنبال ایجاد اختلافات قومی و مذهبی و همچنین ایجاد شکاف اجتماعی در ایران برای رسیدن به شکنندگی از داخل ایران هستند. این جریان در حادثه یازدهم سپتامبر خود را به مثابه جریانی متفاوت با سایر جریانهای اسلامی معرفی و توجه بسیاری از جهانیان را جلب کرد. سلفیت به عنوان یک جریان انحرافی مذهبی، ابتدا با چراغ خاموش وارد کشور شده و زیر سایه مصلحت‌اندیشی‌های امنیتی و غفلت دستگاه‌های دینی و مذهبی مثل مرکز بزرگ اسلامی و عدم صرف هزینه برای مقابله فکری و فرهنگی، به مساجد و جوانان مستعد و ساکنین جنوب و شرق نفوذ و توانسته طرفداران زیادی را به خود جذب کرده و اکنون به عنوان تهدیدی جدی در شهرستان‌های قلعه گنج، فهرج و ریگان تبدیل شده است. نکته قابل توجه اینکه استان کرمان، استانی است که در حال حاضر پیرامون وهابیت





خطری ندارد ولی در آینده به دلیل هم‌مرزی با استان سیستان بلوچستان، و سرریز اهل تسنن این استان به استان کرمان و حضور اتباع خارجی (افغانه) که بیشتر اهل تسنن بوده و خطر گرایش به سمت گروه‌های افراطی و تکفیری وجود دارد، در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

منابع

- قرآن کریم: سوره‌های احزاب/سوره ۳۳، آیه ۶۲، آل عمران/سوره ۳، آیه ۱۰۶.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (بی تا) تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، جلد: ۹، محقق: شمس الدین، محمد حسین ناشر: دار الکتب العلمیه محل نشر: بیروت.
- الأصفهانی، الراغب (بی تا). المفردات فی غریب القرآن، جلد ۱.
- ابن منظور (بی تا). لسان العرب، جلد ۱۳.
- النوری الطبرسی، المیرزا حسین (بی تا). مستدرک الوسائل، جلد ۱۲.
- ابن اثیر جزری، ابی الحسن علی بن ابی الکریم (۱۴۰۷ هـ. ق). الکامل فی التاریخ، تحقیق: عبدالله القاضی، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن اثیر جزری (بی تا). النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۹.
- ابن بلخی (۱۳۴۴). فارسنامه، به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعات فارس.
- ابراهیم، محمد بن (۱۳۴۳). سلجوقیان و عُز در کرمان، با کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: انتشارات طهوری.
- اعظمی، هادی محسن خلیلی و معصومه دهمرده (۱۳۹۱). عوامل تأثیرگذار بر امنیت سیستان و بلوچستان ص ۱۷۲ و ۱۷۳. همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها.
- البخاری الجعفی، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزیه (۱۳۷۸ هـ. ق). صحیح البخاری، ج ۹، باب فتن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- امینی، محمد هادی (۱۳۷۲ هـ. ش). تاریخ مکه، ترجمه محسن آخوندی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- امین عاملی، سید محسن (۱۳۶۵ هـ. ش). وهابی‌ها، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، تهران، امیرکبیر.
- آلوسی، محمد شکر (بی تا). تاریخ نجد، تحقیق: محمد بهجت الاثری، قاهره، مکتبه مدبولی.
- آل الشیخ، عبدالرحمن بن حسن (۱۴۱۲ هـ. ق). فتح المعجد (شرح کتاب التوحید)؛ تحقیق محمد حامد الفقی، چاپ هشتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم بن محمد فارسی (۱۳۷۳). ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، بو کوشش ایرج افشار، بی جا، بنیاد موقوفات دکتر افشار.





- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، تهران: نشرنی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
- بی‌نا، (۱۳۹۱). سالنامه آماری استان کرمان.
- تقوی، ابوالعلی (بی‌تا). الفرقة الوهابیه فی خدمه من هو، بیروت- لندن، الارشاد لطباعه و لنشر.
- پیتر برنل و ویکی رندال (۱۳۸۷). مسائل جهان سوم- سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران، انتشارات قومس.
- خداوردی تاج‌آبادی، محمد (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی و ... کرمان، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳). روضه‌الصفاء، ج ۱، با مقدمه‌ی جلال‌الدین همایی، تهران: کتابخانه خیام.
- حسین بن غنم (۱۴۱۵ ه. ق.). تاریخ نجد، محقق: ناصرالدین اسد، چاپ چهارم، بیروت- قاهره، دار الشروق.
- دکم‌جیان، هرایر (۱۳۸۸). جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، چ ۵، انتشارات کیهان.
- زینی، دحلان، سید احمد (۱۳۰۵ ه. ق.). فتنه الوهابیه، مصر، بالطبعه الخیریه.
- زینی، دحلان، سید احمد (بی‌تا). الدرر السنیة فی الرد علی الوهابیه، مصر، بالطبعه الخیریه.
- زرکلی، خیر‌الدین (۱۹۸۹ میلادی). الاعلام، چاپ هشتم، ج ۶، بیروت، دار العلم للملایین.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۲). راحه الصدور و آیه السرور، تصحیح محمد اقبال، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۹). آیین وهابیت، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ ه. ش.). وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- سیمیر، رضا (۱۳۹۰). سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش سیاسی، سال شش، شماره دوم، دانشکده امام صادق (ع)، پاییز و زمستان، ص. ۱۲۶.
- صالح آل بسام، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۳۹۸ ه. ق.). علماء نجد خلال ثمانیه قرون، ج ۱، ریاض، دار العاصمه
- غزالی، محمد (۱۹۶۴). فضائح الباطنیه، ویراسته عبد الرحمن بدوی، قاهره.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۶۴). وهابیان، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۷). آشنایی با فرق تسنن، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- قزوینی، محمد حسین (۱۳۹۱). وهابیت از منظر عقل و شرع، قم: انتشارات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج).
- قومی، محمد. (۱۳۸۲)؛ کردستان، و مناطق اهل سنت با استحقاق‌ها و عملکردهای. (<http://shiayan.ir>).
- کاشف الغطاء، سید جعفر (۱۴۱۴ ه. ق.). منهج‌الرشاد لمن اراد السداد، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم، امیر، المجمع‌العالمی لأهل‌البيت (ع).





- کرمانی، افضل الدین احمد بن حامد حامد (۱۳۷۳). تاریخ سلجوقیان و غز، تهران: انتشارات کورش.

- کسایی، نورالله (۱۳۷۴). مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: انتشارات امیر کبیر.

- مبلغی، احمد (۱۳۷۳). تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۳، چ اول، قم: انتشارات سینا.

- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران:

شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- وزیر، احمدعلی خان (۱۳۶۴). تاریخ کرمان، تهران: انتشارات علمی.

- نظام الملک طوسی (۱۳۳۴). سیاست نامه، به کوشش مرتضی مدرس چهاردهی، تهران: کتابخانه طهوری.

- <http://www.farhangiannews.ir/view-12659.html>

- <http://fungardi.ir/print.php?id=29518>

